

بازخوانی راهکارهای تربیتی در بهبود روابط اجتماعی با تکیه بر قرآن و احادیث

رضا نجفی^۱

چکیده

آیات متعددی از قرآن کریم با موضوع سلامت روابط اجتماعی مرتبط است. در کنار آن، سیره معصومان علیهم‌السلام از دغدغه دین در امنیت اجتماعی و بهبود روابط اعضای جامعه حکایت دارد. گسترش روزافزون ناسازگاری در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و افزایش رفتارهای پُرتنش، روابط اعضای جامعه را با پیچیدگی‌هایی همراه نموده است. از این رو بازشناسی و بازخوانی راهکارهای مؤثر در بهبود روابط اجتماعی از دیدگاه اسلام ضرورت دارد. نوشتار حاضر با روش توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به بررسی و تحلیل راهکارهای تربیتی دین در این خصوص می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که عناوینی مانند تحکیم بنیان خانواده، تکریم شخصیت افراد، مهرورزی، حلم و بردباری، تعاون و همکاری، تفاهم و درک متقابل، مشورت‌پذیری، نقدپذیری و میانه‌روی از مهم‌ترین راهکارهای اسلام در بهبود روابط اجتماعی است که در نهایت به کاهش آسیب‌های رفتاری می‌انجامد. به‌علاوه، راهکارهای مذکور دارای روابط معناداری هستند که به تأثیرگذاری یکدیگر کمک می‌کنند. در نتیجه راه بهبود روابط اجتماعی از دیدگاه اسلام، ترکیبی از راهکارهای تربیتی است.

واژگان کلیدی

تحکیم خانواده، رفتار عمومی، تربیت اسلامی، روانشناسی دینی، معارف قرآن و احادیث

۱. دکترای تخصصی علوم قرآن و حدیث، عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه خلیج فارس، بوشهر،
najafi۹۴۸۷@gmail.com

درآمد

انگیزه زندگی جمعی، بشر را به تشکیل نهادهای اجتماعی وا داشته است. نخستین نهاد اجتماعی، خانواده است. نهادهای دیگر، همگی پس از خانواده تشکیل می‌شوند. اکنون جامعه بشری از ناسازگاری و رفتارهای تنش‌زا پُر شده؛ به گونه‌ای که زیست مسالمت‌آمیز انسان‌ها در کنار هم را با دشواری مواجه کرده است. گاهی منازعات اجتماعی در نهادهای مختلف جامعه به شکلی افزایش می‌یابد که ادامه روابط را غیر ممکن می‌سازد. این در حالی است که بشر به روابط مسالمت‌آمیز نیازمند است تا بتواند در جهت شکوفایی استعدادهای انسانی خود حرکت نماید.

حفظ سلامت رفتار اجتماعی از نهاد خانواده تا جامعه بزرگ جهانی، ضرورتی است که تبیین آن به بازخوانی راهکارهای دین اسلام نیازمند است. از سوی دیگر ارائه راهکارهای نظری و عملی می‌تواند پشتوانه مقابله با آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از رفتارهای پُرتنش باشد. با آموزش درست و به‌موقع، می‌توان از جامعه در برابر انواع ناهنجاری‌ها و بدرفتاری‌های اجتماعی محافظت کرد.

راهکارهای ارائه‌شده توسط نظام تربیت دینی بر مبنای فطرت انسانی است و اجرای آن نه‌تنها بشر را در تنگنای افراط و تفریط قرار نمی‌دهد، بلکه به شادابی و نشاط روانی او نیز کمک می‌کند. منابع دینی سرشار از آموزه‌هایی است که انسان را از یک جهت در دستیابی به روح متعالی کمک می‌کند و از جهت دیگر راه مدیریت جنبه‌های حیوانی بشر را هموار می‌سازد. تربیت اجتماعی با پروراندن نهاد کوچک خانواده شکل می‌گیرد و با تعادل در حقوق و تکالیف اجتماعی به بلوغ خود می‌رسد. همچنین جامعه بشری با مؤلفه‌های ارزشمندی مانند خویش‌داری و بردباری، رنگ انسانیت به خود می‌گیرد. بازخوانی راهکارهای دین اسلام در بهبود روابط اجتماعی به فهم موضوع تربیت اجتماعی کمک می‌کند. اکنون پرسش اصلی این است که منابع دینی چه راهکارهایی برای بهبود روابط میان اعضای جامعه ارائه می‌کند؟

پیش از این، تحقیقات فراوانی در خصوص اخلاقیات و تربیت دینی انجام شده است؛ به طور مثال می‌توان به این آثار اشاره کرد:

- مبانی اخلاقیات قرآن کریم که در قالب یک جلد از استاد فرزانه آیت الله جوادی آملی با نام «مبانی اخلاق در قرآن» ارائه شده و مجموعه‌ای از موضوعات تربیتی قرآن را بررسی کرده است.
- مجموعه‌ای سه جلدی با عنوان «اخلاق در قرآن» از مرحوم آیت الله محمد تقی مصباح یزدی منتشر شده است که بخش‌هایی از این مجموعه ارزشمند به بررسی روش‌های تربیتی قرآن کریم اختصاص دارد.

- کتاب «روش‌های تربیتی در قرآن» نوشته دکتر محمد رضا قائمی نیز طی سال‌های اخیر به جامعه علمی ارائه شده است.

- نگارش دیگری که در این زمینه قابل استفاده است به محمد ارشادی تعلق دارد. وی اثر خود را «شیوه‌های کاربردی تربیت دینی در قرآن کریم» نام نهاده است.

برخی از این کتاب‌ها به صورت میان رشته‌ای نگاشته شده‌اند. مجموعه فراوانی از مقالات نیز با موضوعات تربیت قرآنی ارائه شده است. این مقاله با هدف بازخوانی راهکارهای تربیتی دین اسلام در حفظ سلامت رفتاری جامعه نگارش یافته و با نگاهی به تحقیقات پیش از خود به دسته‌بندی راهکارها می‌پردازد.

راهکارهای تربیتی اسلام در بهبود روابط اجتماعی

قرآن کریم در قالب آیات متعددی به موضوع بهبود روابط اجتماعی می‌پردازد. از اهل بیت علیهم‌السلام نیز گزاره‌های مختلفی درباره این موضوع رسیده است.

۱. تحکیم بنیان خانواده

اولین و اساسی‌ترین راهکار اسلام در بهبود روابط اجتماعی، تحکیم بنیان مهم‌ترین رکن جامعه است. خانواده، زمانی در کاهش آسیب‌های فردی و اجتماعی مؤثر است که از تداوم و قوام برخوردار باشد. خانواده متزلزل یا گسسته قادر به مدیریت رفتار اعضا نیست.

۱/۱. دین اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز و آرامش‌آفرین، به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده بیشترین توجه را نموده است. اسلام این نهاد را کانون تربیت و مهد مودت و رحمت می‌شمرد و سعادت و شقاوت جامعه انسانی را منوط به صلاح و فساد این بنا می‌داند. قرآن کریم هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای مادی، عاطفی و معنوی انسان، از جمله دستیابی به سکون و آرامش برمی‌شمارد.^۲ در نگاه جامعه‌شناسانه می‌توان خانواده را این‌گونه تعریف نمود:

خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل هستند و فرهنگ مشترکی پدید آورده‌اند و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند.^۳

۲. الروم، ۲۱.

۳. تربیت و جامعه‌شناسی، ص ۸۶.

در یک نگاه ساده متوجه می‌شویم که عناصر اصلی تشکیل‌دهنده خانواده، یک زن و یک مرد است که مطابق آداب و رسوم دینی و اجتماعی خویش با یکدیگر پیوند زناشویی بسته‌اند و بعد، فرزند یا فرزندان بر جمع آنها افزوده شده است.^۴ هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن کریم، «سکونت و آرامش» اعضاست،^۵ پس لازم است که همه رفتارها و تعاملات در راستای تحقق همین هدف سازماندهی شود.^۶

۲/۱. قرآن کریم مهم‌ترین وظیفه تربیتی خانواده را حفاظت و صیانت در برابر ارتکاب زشتی‌ها، منکرات و گناه می‌داند. از این رو خداوند به اهل ایمان دستور می‌دهد که خانواده خود را از فرورفتن در عذاب الهی باز دارند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقَوْدُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ.^۷

ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛ آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت‌گیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند.

مأموریت خانواده مسلمان و باایمان، تربیت اعضای است که به ارزش‌های اخلاقی و انسانی و هنجارهای دینی پایبند باشند. با این تعبیر قرآن کریم، خانواده محمل رشد و شکوفایی معنویت و بستر تعالی رفتار است.

۳/۱. روان‌شناسان به ضرورت هم‌گرایی اعضای خانواده در پرهیز از بدرفتاری تأکید نموده‌اند. اگر عضوی از خانواده دچار اختلال رفتاری شود به سایر اعضا نیز سرایت می‌کند. در بسیاری از موارد، معضل

۴. ن. که خانواده در قرآن، ص ۴.

۵. الروم، ۲۱: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

۶. ن. که: مقاله عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ش ۱۵، ۱۳۹۲.

۷. التحريم، ۶.

رفتاری عضو خانواده مانند کودک یا نوجوان مستقیماً از روابط غلط خانوادگی سرچشمه می‌گیرد.^۸ همچنین دو رکن اصلی خانواده یعنی زن و شوهر، در کنار یکدیگر به رشد تربیتی و هنجارپذیری خویش کمک می‌کنند. قرآن کریم در تمثیلی جاودانه، زن و مرد را برای یکدیگر به مثابه لباس می‌داند:

هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٌ هُنَّ.^۹

آنها [زنان] جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت آنها هستید.

۴/۱. رذائل اخلاقی و زشتی‌های رفتاری می‌تواند به سرعت در میان اعضاء خانواده رسوخ نماید. به طور مثال، دروغ، در یک فرایند فراگیر، زوجین و فرزندان را گرفتار کرده و به مرور زمان، دروغ‌گویی در خانواده رواج می‌یابد. خانواده‌ای در مسیر زندگی، پیروز است که راستی و درستی را به کار گیرد و امنیت روانی و اعتماد را در سراسر زندگی، با بهره‌گیری از پشتوانه عاطفه برقرار کند.

اکنون با بررسی موارد یاد شده به نتیجه‌ای معنادار می‌رسیم. نظام تربیتی اسلام، خانواده را نهاد آرامش‌ساز می‌داند تا در این محمل که اعضا مکمل یکدیگرند، راهی برای نفوذ بی‌بند و باری و ابتدال رفتاری نباشد. با تحکیم بنیان خانواده، همه وظیفه یافته‌اند تا خود و دیگر اعضای خانواده را در برابر ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها صیانت نمایند. چنانچه نهاد خانواده استحکام یابد، جامعه نیز سلامت اخلاقی خود را بازیابی می‌کند. با چنین نگرشی در شیوه تربیتی قرآن کریم، به سلامت رفتار و بهبود روابط اجتماعی دست می‌یابیم؛ چراکه نهاد خانواده زیربنای تأسیس دیگر نهادهای اجتماعی است.

۲. تکریم شخصیت و احترام متقابل اجتماعی

حفظ حریم شخصی افراد به معنای امنیت روانی و آسایش اجتماعی اعضای جامعه است. هر فرد تمایل دارد تا به اندیشه‌های انسانی، گرایش‌ها، نگرش‌ها و رفتار او توجه شده و محترم شمرده شود. کسی که در ارتباط با دیگران، شاهد کُنش‌های محترمانه باشد، ناخودآگاه در تعامل با اطرافیان، واکنش‌های احترام‌آمیزی از خود نشان می‌دهد.

۱/۲. شیوه تربیتی اسلام بر مبنای تکریم شخصیت افراد بنا شده است. اسلام به دنبال تربیت افرادی است که از سلامت نفس برخوردار بوده و به ارزش‌های رفتار انسانی احترام گذارند. نقل شده است،

۸. مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌شناسی، ص ۶۲.

۹. البقرة، ۱۸۷.

هنگامی که پیامبر ﷺ از جنگ تبوک بر می‌گشتند، یکی از کارگران مدینه، به استقبال آن حضرت آمد. هنگامی که رسول خدا ﷺ با او دست دادند، دست‌های زبر و خشن مرد انصاری، ایشان را تحت تأثیر قرار داد. از او پرسیدند:

چرا دست‌های تو این قدر زبر و خشن است؟!

کارگر عرضه داشت:

یا رسول‌الله! این خشونت و زبری دستان من بر اثر کار با بیل و طناب است که به وسیله آن زحمت می‌کشم و مخارج خود و خانواده‌ام را تأمین می‌نمایم.

پیامبر اکرم ﷺ دست او را بوسیدند و فرمودند:

این دستی است که آتش جهنم آن را لمس نخواهد کرد.^{۱۰}
پیامبر ﷺ نه تنها بزرگسالان را مورد تکریم قرار می‌دادند، بلکه نسبت به خردسالان نیز همین شیوه را داشتند. ایشان به پیروان خود سفارش کردند:
به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را نیکو تربیت کنید تا بخشیده شوید.^{۱۱}

۲/۲. تکریم شخصیت و کرامت انسانی نیز از نهاد خانواده بر می‌خیزد. کسانی که از خانواده‌ای آرام و محترم برخوردارند، پس از ورود به اجتماع و قرار گرفتن در مجامع مختلف، سلامت رفتاری بیشتری از خود نشان می‌دهند. احترام متقابل همسران به یکدیگر، درک متقابل از شرایط روانی و جنسیتی، همکاری و همیاری در انجام امور خانواده، پرهیز جدی از غرور و تکبر، احترام به توانمندی‌های همسر، نادیده گرفتن نواقص یا ناتوانایی‌های همسر، حفظ حرمت و شأن انسانی در روابط زناشویی، خودداری از تحقیر خانواده همسر و بسیاری از موارد دیگر در تکریم و حرمت خانوادگی مؤثر است. همچنین در برخورد با فرزندان نیز رعایت اصل تربیتی «تکریم» دارای اهمیت است؛ چراکه فرزندان با احترام و تکریم والدینشان، شخصیت یافته و به رفتار مطلوب تربیتی دست می‌یابند. به‌علاوه زیربنای شخصیت افراد جامعه، در کودکی و به‌خصوص در نظام خانواده شکل می‌گیرد. چشم‌پوشی از ضعف‌ها، تشویق موفقیت‌های فرزند، مشارکت‌دادن او در مدیریت مالی خانواده و اموری دیگر، به تکریم و بزرگداشت شخصیت فرزند کمک می‌کند.^{۱۲}

۱۰. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ج ۲، ص ۱۶۹.

۱۱. وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۴۷۶: اَکْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرَ لَكُمْ.

۱۲. ن. کد نگاهی دوباره به تربیت دینی، ص ۱۳۹.

۳/۲. تکریم شخصیت مترقی و شاگرد از طرف مربی، دارای سه کارکرد مهم تربیتی است. نخست اینکه تکریم شخصیت تا حد زیادی اعتماد به نفس و خودباوری را در مخاطب برانگیخته و او را به ارزش وجودی خویش آگاه می‌سازد. دومین کارکرد احترام و تکریم، اعتماد شخص نسبت به مربی است. سومین پیامد تکریم شخصیت مخاطب در مخاطبانی که هنوز مایه‌های ایمان و اعتقاد در آنان بارور نشده، ظاهر می‌شود. این افراد، انگیزه اندکی برای عمل به ارزش‌ها و انجام کار خوب دارند؛ ولی با تکریم، انگیزه آنها افزایش یافته و کم‌کم مایه‌های ایمانی‌شان پررنگ می‌شود.^{۱۳}

۴/۲. قرآن کریم نسبت به اموری که تحقیر شخصیت و تضعیف روحیه اعضای جامعه را در پی دارد، هشدار داده است. تمسخر و عیب‌جویی از مهم‌ترین این عوامل است. خداوند متعال می‌فرماید:

ای اهل ایمان، هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزا کنند، شاید آن قوم که مسخره می‌شوند از مسخره‌کنندگان بهتر باشند؛ و نیز بین زنان با ایمان، قومی، دیگری را سخریه نکنند که بسا آن قوم از خود آن زنان بهتر باشند؛ و هرگز عیب‌جویی (از هم‌دینان) خود مکنید و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید.^{۱۴}

به این ترتیب، قرآن کریم با طرح مبحثی تربیتی به ضرورت تکریم شخصیت و کرامت انسانی می‌پردازد. خانواده، زیربنای شکل‌گیری شخصیت و کرامت‌بخشی به افراد است. در مراحل بعد، نقش مربیان و معلمان پررنگ است. نتیجه این الگوی تعاملی، بهبود روابط اجتماعی و سلامت رفتاری جامعه است.

۳. مهرورزی و تعمیق روابط عاطفی

یکی از اهداف آموزه‌های اجتماعی اسلام، ایجاد جامعه‌ای عاری از آسیب‌های رفتاری است. محبت، مهرورزی، صمیمیت و تعمیق روابط عاطفی، این هدف را محقق می‌سازد. در نگاهی کلی، انسان‌ها با ابراز محبت و ایجاد صمیمیت با یکدیگر ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند. افزون بر این، با مهرورزی، سایر شیوه‌های تربیتی نیز کارآمدی بیشتری می‌یابد. به عبارت دیگر، مهرورزی و محبت، عاملی مهم در تحکیم بنیان خانواده، تکریم شخصیت و سایر راهکارهای بهبود روابط اجتماعی است.

۱۳. ن. که: تربیت اجتماعی، ص ۱۹۵.

۱۴. الحجرات، ۱۱: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّنْ نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوا بِالْألقَابِ.

۱/۳. هرچه روابط میان اعضای جامعه عمیق تر باشد، آسیب‌های اجتماعی نیز کاهش می‌یابد. شعار اساسی قرآن کریم در این خصوص، برقراری برادری در جامعه دینی است:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ.^{۱۵}

در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند پس میان برادرانان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید؛ امید که مورد رحمت قرار گیرید.

قرآن کریم با شکل‌دهی احساس اخوت در میان مسلمانان، به دنبال گسترش فرهنگ عطف و مهرورزی است.

۲/۳. از دیدگاه اسلام، مهربانی و محبت‌ورزیدن، مایه قوام و برپایی جامعه انسانی است. بدون مهربانی، نظام اجتماع بشری، سرد و بی‌روح است و زیبایی‌های زندگی به کام انسان، تلخ و بی‌معناست. خداوند همه موجودات عالم را مشمول رحمت و مهربانی خود کرده است.^{۱۶} نظام عالم وام‌دار مهربانی و رأفت پروردگار است. خدای مهربان، بندگانش را نیز به محبت و مهرورزی تشویق می‌کند و اهل مهر و عاطفه را جزو رستگاران معرفی کرده است:

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ.^{۱۷}

سپس از کسانی باشد که ایمان آورده‌اند و یکدیگر را به صبر و استقامت و مهربانی و عطف توصیه می‌کنند. اینان اصحاب یمن هستند. آرامش روانی جامعه در گرو محبت و عطف افراد نسبت به هم است.

۳/۳. آموزه‌های قرآن کریم نشان می‌دهد که فعالیت انبیا و رسولان الهی برای تحقق اهداف انسانی بر مبنای مهرورزی و عطف است. خداوند به پیامبرش یادآوری می‌کند که او را برای رحمت و مغفرت و مهربانی فرستاده است:

۱۵. الحجرات، ۱۰.

۱۶. الاعراف، ۱۵۶: وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ. (و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است.)

۱۷. البید، ۱۷ - ۱۸.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ^{۱۸}

و (ای رسول) ما تو را نفرستادیم مگر آن که رحمت برای اهل عالم باشی.

قرآن کریم با نگاه انسان‌شناسانه به تربیت مخاطبان پرداخته است. پیامبر مأموریت یافته تا با مهربانی و نرمش مردم را به وحدانیت و اخلاق جذب نماید:

فِيهَا رَحْمَةٌ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِن
حَوْلِكَ^{۱۹}

حَوْلِكَ^{۱۹}

به (برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر
خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند.

تعمیق روابط عاطفی و مهرورزی در هر اجتماعی، از شکاف میان اعضا پیشگیری کرده و آسیب‌های
رفتاری را کاهش می‌دهد.

۴/۳. در همه عرصه‌های روابط اجتماعی، محبت راهکاری کارآمد برای بهبود مناسبات اجتماعی
است. محیط کسب و کار با مهرورزی، طراوت می‌یابد و افراد احساس می‌کنند که می‌توانند در کنار هم
جامعه‌ای همراه با آرامش را بسازند. قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد همانگونه که با دشمن،
سخت‌گیر هستند، در ارتباط با هم، مهربان و خویشان‌دار باشند:

مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ^{۲۰}

محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار،
سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

جامعه‌ای که بر اساس مهرورزی بنا شده از بسیاری از بدرفتاری‌ها در امان می‌ماند؛ زیرا دل‌های
اعضای این جامعه به یکدیگر نزدیک شده است. قرآن کریم می‌فرماید:

۱۸. الانبیاء، ۱۰۷.

۱۹. آل عمران، ۱۵۹.

۲۰. الفتح، ۲۹.

وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ.^{۲۱}

و دل‌های آنها را با هم الفت داد! اگر تمام آنچه را روی زمین است صرف می‌کردی که میان دل‌های آنان الفت دهی، نمی‌توانستی! ولی خداوند در میان آنها الفت ایجاد کرد! او توانا و حکیم است.

بنابراین شایسته است که بندگان خدا هم برای رفع آسیب‌های اجتماعی، مهرورزی را به‌عنوان راهکاری کارآمد، مورد توجه قرار دهند.

۴. حلم، بردباری و خویش‌داری

راهکار دیگر اسلام در بهبود روابط اجتماعی و سلامت رفتاری، بردباری در عرصه تعاملات جمعی است. جامعه با حضور افراد متفاوت، صحنه‌ای از جدال سلیقه‌هاست. حضور افرادی با انگیزه‌های خودخواهانه بر پیچیدگی روابط اجتماعی می‌افزاید و جامعه را برای بروز تنش‌های روزمره آماده می‌کند. عواملی مانند فقر، بی‌سوادی، شکاف طبقاتی، طلاق، اعتیاد، بی‌بند و باری جنسی، بیکاری، حاشیه‌نشینی و مهاجرت نیز سلامت روابط اجتماعی را با اختلال مواجه کرده و تعارض را افزایش می‌دهد.^{۲۲}

۱/۴. اسلام با توجه به نامالایمات زندگی بشر در اعصار مختلف و با تکیه بر فطرت خداگونه انسان، به ارائه راهکارهایی پرداخته که او را در شرایط دشوار اجتماعی یاری رساند. راهکار اسلام، فرار از واقعیت‌های پیش رو نیست. از این رو، دین، انزواطلبی را نمی‌پذیرد و با آن مخالفت می‌کند. در برابر به بردباری به‌عنوان راهکاری برای مواجهه با معضلات، سفارش می‌نماید. خداوند به اهل ایمان دستور می‌دهد:

۲۱. الانفال، ۶۳.

۲۲. در فرهنگ لغت فارسی، تعارض به معنی متعارض و مزاحم یکدیگر شدن است یا با هم اختلاف داشتن است. (ن. کد لغت‌نامه دهخدا؛ لغت‌نامه معین) تعارض زمانی رخ می‌دهد که در یک وضعیت اجتماعی بر سر مسائل اساسی، عدم توافق و تفاهم وجود دارد و یا ضدیت‌های احساسی باعث ایجاد اصطکاک و تنش بین افراد شود.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

تُفْلِحُونَ. ۲۳

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! (در برابر مشکلات و هوس‌ها) استقامت کنید! و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید.

خداوند متعال، بردباری و صبرپیشگی را راهکاری برای کامیابی و سعادت بشر، معرفی کرده تا انسان با این ابزار بر بحران‌های زندگی اجتماعی غلبه کند.

۲/۴. «صبر» در لغت به معنای حبس و در تنگنا و محدودیت قراردادن است.^{۲۴} برخی نیز آن را بازداشتن نفس از اظهار بی‌تابی و بی‌قراری دانسته‌اند.^{۲۵} در اصطلاح اخلاقی، صبر عبارت است از وادار نمودن نفس به انجام آنچه که عقل و شرع اقتضا می‌کنند و بازداشتن از آنچه عقل و شرع، نهی می‌کنند.^{۲۶} با توجه به تعاریف مذکور، «صبر» یک صفت نفسانی بازدارنده است که دو جهت دارد؛ از یک سو گرایش‌ها و تمایلات غریزی و نفسانی انسان را حبس نموده و در قلمرو عقل و شرع محدود می‌کند. انسان اگر رها شود، فرد و جامعه را به ویرانه‌ای تبدیل می‌کند. از سوی دیگر، نفس را از مسؤولیت‌گریزی در برابر عقل و شرع، باز داشته و آن را وادار می‌کند که به وظایف الهی پایبند باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تشریح ابعاد مختلف صبر می‌فرماید:

صبر سه قسم است: صبر به هنگام دیدن مصیبت، صبر بر طاعت

خدا، صبر به هنگام معصیت.^{۲۷}

۳/۴. قرآن کریم به مسلمانان سفارش می‌کند که در برابر نامالایمات اجتماعی، خود را دچار کشمکش و درگیری ننمایند؛ چراکه اقتدار، شوکت و بزرگی آنان از بین می‌رود. راهکار قرآن کریم در حفظ شأن و بزرگی مقام انسان، صبر و بردباری است:

۲۳. آل عمران، ۲۰۰. امام صادق علیه السلام در شرح آیه فرمودند: «اصْبِرُوا عَلَى الْفَرَائِضِ» در برابر واجبات صبر کنید؛ «صَابِرُوا عَلَى الْمَصَائِبِ»

در برابر مشکلات صبر کنید؛ «وَ رَابِطُوا عَلَى الْأَيْمَةِ» از پیشوایان خود دفاع کنید. (الکافی، ج ۲، ص ۸۱)

۲۴. تاج العروس، ج ۱۲، ص ۲۷۱؛ لسان العرب، ج ۴، ص ۴۳۸.

۲۵. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۵۷۷.

۲۶. مفردات راغب، ص ۴۷۴.

۲۷. الکافی، ج ۲، ص ۹۱.

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذَهَبَ رِيحُكُمْ وَ

اصبروا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ.^{۲۸}

و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید! و نزاع (و کشمکش) نکنید، تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است.

حال می‌توان دستور خداوند متعال در صبرپیشگی را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تحلیل نمود. سلامت رفتاری در روابط همسران با یکدیگر در صحنه زندگی زناشویی، روابط والدین با فرزندان در خانواده، روابط اجتماعی در محیط کسب و کار و مدیریت، روابط اجتماعی در صحنه‌های مختلف شهروندی و سایر زمینه‌ها نیازمند شکیبایی و بردباری است.

۴/۴. در نگاه متعالی اسلام، بردباری و صبرپیشگی نه تنها سلامت رفتاری جامعه را تضمین می‌کند، که سعادت اخروی را نیز در پی دارد. بنا بر آیات کلام الله مجید برای بردباران، پاداشی عظیم در نظر گرفته شده است و قرآن کریم، اجری به غیر حساب را شایسته آنان می‌داند.^{۲۹} تعبیری ارزنده از قرآن کریم نشان می‌دهد که بردباران با رفتار خود، زشتی‌ها را با زیبایی پاسخ می‌دهند. آنان اجازه نمی‌دهند که جامعه به صحنه کشمکش و منازعات اجتماعی تبدیل شود. خداوند هم به جهت بردباری و نیز نیکوکاری به آنان پاداشی مضاعف می‌دهد.^{۳۰}

به استناد آیات کریمه قرآن، جامعه بشری محل آرامش در سایه بردباری است. همواره در جامعه افرادی حضور دارند که خواسته یا ناخواسته، هنجارهای اجتماعی را پایمال می‌کنند. راهکار تربیتی اسلام در اینگونه از موارد، صبوری و شکیبایی است؛ چرا که با صبر، انسان احساس آرامش نموده و خود را به اتّفاقات ناخوشایند بعدی نزدیک نمی‌کند.^{۳۱}

بازخوانی راهکارهای تربیتی در بهبود روابط اجتماعی با تکیه بر قرآن و احادیث

۲۸. الانفال / ۴۶.

۲۹. الزمر، ۱۰: قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُؤَفِّقُ الصَّابِرِينَ وَ أَجْرُهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ.

۳۰. القصص، ۵۴: أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرُؤُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ.

۳۱. الفرقان، ۶۳: وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا.

۵. تعاون و همکاری

انسان موجودی اجتماعی است و بسیاری از نیازهای خود را با همکاری^{۳۳} و مشارکت دیگر اعضای جامعه برطرف می‌کند. تحولات اقتصادی و اجتماعی در جامعه موجب می‌شود که افرادی با سطح نیازمندی‌های متفاوت در کنار یکدیگر حضور داشته باشند. همکاری و مساعدت اعضای جامعه در رفع مشکلات و معضلات اجتماعی مورد تأکید منابع دینی است.

۱/۵. تعامل و همکاری، راهکار تربیتی اسلام در ایجاد نظم، آرامش و رفاه اجتماعی است. گاهی دین، انجام برخی از کارها به صورت جمعی را بر انجام فردی آن کار، ترجیح می‌دهد. امام صادق علیه السلام در خصوص مشارکت در انجام کارها می‌فرماید:

هر کس در پیشبرد کار مسلمانان اهتمام نورزد، در شمار مسلمانان نیست.^{۳۳}

برابر سفارش آن حضرت، همکاری و شرکت فعالانه در یاری دیگران، ضروری است. اسلام در شیوه تربیتی خود، تعاون را به عنوان ارزش اجتماعی معرفی کرده است.

۲/۵. برخی از خانواده‌ها از آسیب‌هایی مانند تکروی همسر در انجام امور خانوادگی رنج می‌برند. به نظر می‌رسد که در چنین مواردی، زن و مرد نتوانسته‌اند با همکاری یکدیگر سقف زندگی مشترک را استوار نگه داشته و آرامش فضای خانواده را حفظ نمایند. گاهی با گذشت زمان کوتاهی از پیوند زناشویی، یکی از طرفین یا هر دوی آنان در رفتاری خودخواهانه تصوّر می‌کنند که زندگی بستری برای مطالبه حقوق شخصی است.^{۳۴} این در حالی است که زندگی مشترکه زمینه‌ای برای رشد جمعی در سایه کمک به یکدیگر است.

۳/۵. مناسبات شهروندی سرشار از نیاز به همکاری و تعاون است. اعضای جامعه در امور شخصی و اجتماعی خود به همکاری دیگران نیازمندند. تصویر زیبایی که قرآن کریم از مدیّت صدر اسلام نشان داده، گواهی بر حضور آگاهانه و ارادی مسلمانان برای همکاری در کنار یکدیگر است. مهاجران و انصار

۳۲. همکاری (cooperation) در جامعه‌شناسی نیز به عنوان راهکار برون‌رفت از بن‌بست‌های اجتماعی مطرح است. (درآمدی به

جامعه‌شناسی اسلامی، ص ۷۲)

۳۳. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳۴. ن. ک: تربیت اجتماعی، ص ۲۰۶.

در کنار یکدیگر اجتماع مدینه را ساختند و الگویی از تعاون میان اعضای جامعه اسلامی را به نمایش گذاشتند.^{۳۵}

۴/۵. جامعه همانند ساختمانی است که وجود تمامی ارکان آن ضروری است. دوام ساختمان جامعه به استحکام روابط بین افراد بستگی دارد. همانگونه که ترکیب ستون‌ها، دیوارها، سقف و سایر بخش‌ها در کنار هم به تشکیل و پایداری ساختمان کمک می‌کند، همکاری و مشارکت افراد نیز به ماندگاری و سلامت جامعه کمک می‌نماید. قرآن کریم به پیروان خود توصیه می‌کند که در انجام امور مطلوب با یکدیگر همکاری کنند و در توقّف امور معیوب کوشا باشند:

وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ.^{۳۶}

بدین ترتیب خداوند متعال همگان را به مشارکت در نیکی‌ها فرا می‌خواند و آنان را از همراهی در پلیدی‌ها برحذر می‌دارد.

۶. تفاهم و درک متقابل

زندگی جمعی انسان‌ها همواره با تضارب آرا و تنش اندیشه‌ها همراه بوده است. اختلاف سلیقه، بارزترین ویژگی جوامع بشری است. تفاوت افکار و اندیشه‌های بشر، موجب شده تا جوامع مختلف از فرهنگ‌های متفاوتی برخوردار باشند.

۱/۶. مکاتب متعدّد فکری در طول تاریخ، نشان داده‌اند که انسان‌ها از اندیشه واحد تبعیت نمی‌کنند؛ بلکه به طور دائمی و به تولید افکار و اندیشه‌های گوناگون می‌پردازند. قرآن کریم، در عین پذیرش وجود اختلاف آرا، به پیروان ادیان توحیدی و انسان‌های آزاده سفارش کرده که برترین سخن را برگزینند. خداوند متعال، کسانی که با اندیشه درست، برترین‌ها را برگزینند، هدایت‌یافته و خردورز معرفی کرده است.^{۳۷} تحمل اختلاف آرا و تفاوت افکار، موجب برقراری انضباط اجتماعی و رعایت حقوق شهروندی است. با سعه صدر و بررسی علمی و منصفانه آرا می‌توان به این ویژگی دست یافت.^{۳۸}

۳۵. الحشر، ۸ - ۱۰.

۳۶. المائدة، ۲.

۳۷. الزمر، ۱۷- ۱۸: فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ.

۳۸. ن. ک: تربیت اجتماعی، ص ۲۰۸.

۲/۶. راهکار تربیتی قرآن کریم در مواجهه با لجاجت‌های فکری‌ای که ریشه در تعصّب و جمود عقلی دارد، تفاهم و درک متقابل اندیشه‌ها و ایده‌هاست. قرآن کریم یکی از مهم‌ترین جنبه‌های احسان و نیکوکاری را تحمّل دیگران و گذشت از آنان معرفی نموده است.^{۳۹} امام صادق علیه السلام در خصوص فروبردن خشم فرمود:

هیچ بنده‌ای نیست که خشم خود را فرو برد، مگر آنکه خداوند عزّت او را در دنیا و آخرت فزونی بخشد که خداوند فرمود: «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ ... وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» این پاداش فروبردن آن خشم است.^{۴۰}

اجتماعی که افراد آن در برابر تفاوت‌ها، خویشتن‌دار هستند همواره در آرامش، صمیمیت و سلامت به سر می‌برد.

۳/۶. در نهاد خانواده، تفاهم از مهم‌ترین راهکارها محسوب می‌شود. ازدواج زن و مرد از دو خانواده، تفاوت سلیقه‌ها و ایده‌ها را در بر دارد. اختلاف سلیقه میان زن و شوهر، گاهی در ارتباط با مسائل اساسی و گاهی در امور بسیار ساده و پیش پا افتاده است. حتی اگر زن و شوهر، اصول همانندی و همسانی را در ازدواج در نظر گرفته باشند، باز هم اختلاف سلیقه بین آن دو، حتمی است؛ زیرا هر انسانی دارای آرا و افکار خاصی است و همین امر، سبب می‌شود که از سلیقه‌های متفاوت با دیگران برخوردار باشد. البته برخی از تفاوت‌های ظاهری و ذاتی می‌تواند بر اختلافات بیفزاید؛ تفاوت‌هایی مانند میزان هوش، شجاعت، اعتماد به نفس، زیبایی‌های ظاهری و اخلاقیات از این دست است. می‌توان از این تفاوت‌ها برای همپوشانی یکدیگر و رشد جمعی بهره برد و می‌توان از آن دستاویزی برای دعوای بی‌پایان ساخت.

۴/۶. درک متقابل و تفاهم در همه جنبه‌های روابط اجتماعی دارای اهمیت است. مدیریت سازمانی، روابط دوستانه، فضای کسب و کار و محیط شهروندی بر مبنای تفاهم، قابلیت ادامه حیات می‌یابند. روان‌شناسان اجتماعی، تفاهم را راه حلّ مناسبی برای پیشگیری از انواع خشونت می‌دانند. تفاهم، یک اصل رهایی‌بخش و دگرگون‌کننده است که در سطح فردی رهایی از اسارت نفرت و رهایی از بند تهاجم و خشونت را در پی داشته و در سطح عمومی، امیدبخش و آرامش‌آفرین است.^{۴۱}

۳۹. آل عمران، ۱۳۴: الَّذِينَ يُتِفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.

۴۰. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۰.

۴۱. ن. ک: مقاله اندیشه تفاهم انسانی (جامعه مهربان)، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سوم، ش ۱ و ۲، ۱۳۸۷ش.

۷. مشورت‌پذیری

راه حل دیگری که قادر است در بهبود روابط اجتماعی اثرگذار باشد، مشورت‌دادن^{۴۲} و مشورت‌پذیری است. آموزه‌های قرآن کریم و معصومان علیهم‌السلام نشان می‌دهد که جامعه با وجود اصل مشورت‌پذیری به سرعت در مسیر تعالی و رشد قرار می‌گیرد. مشورت در اصطلاح، هم‌معنا با کلمه «تشاوری» و «مشاورت» است و مفهوم آن استخراج رأی صحیح می‌باشد. انسان هرگاه خودش درباره کاری رأی صحیح و کاملی ندارد، به دیگران مراجعه و از عقل و تجربه آنها استفاده می‌کند.^{۴۳} به عبارت دیگر مشورت به معنای مشارکت در ایده، دانش و تجارب دیگران است که انسان را در تصمیم جامع و مانع یاری می‌دهد.

۱/۷. بهره‌مندی از اندیشه و تجربه دیگران، استفاده از تأیید و حمایت فکری دیگران، جلوگیری از سرزنش دیگران، شناسایی افراد صاحب‌نظر و خردورز، رشد و قوام فکری افراد جامعه، دوری از استبداد رأی، گسترش فرهنگ تلاش جمعی و ایجاد تفاهم، بخشی از اثرات مشورت در جامعه بشری است. امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

راه درست و صواب به دست نیاید مگر با مشورت‌کردن.^{۴۴}

۲/۷. مشورت به انسان کمک می‌کند تا افکار و اندیشه‌های دیگران، به‌ویژه صاحب‌نظران و متخصصان را به یاری طلبد و با قراردادن تجارب آنان در کنار فکر و نظر خود، بر قدرت، وسعت و عمق اندیشه و بینش خویش بیفزاید و از درخشش افکار و اندیشه‌های دیگران بهره‌مند شود. حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید:

کسی که با خردمندان و عاقلان مشاوره کند به نور عقل‌ها و خردها

روشنی یابد.^{۴۵}

همچنین مشورت مطمئن‌ترین مسیر را پیش روی افراد قرار می‌دهد. امیر مؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

و هیچ پشتیبانی مطمئن‌تر از مشورت نیست.^{۴۶}

۴۲. (Consultation) به جز موضوعات اجتماعی، مشاوره در علم اخلاق، علوم تربیتی و روان‌شناسی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به کسی که بر اساس دانش و تجربه خود به دیگران مشورت می‌دهد، مشاور (Consultant) گفته می‌شود.

۴۳. مفردات راغب، ص ۴۷۰.

۴۴. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۷۶۹.

۴۵. غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۶۲۷.

۴۶. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۳.

یکی دیگر از آثار مثبت مشورت شناخت خطاها و اشتباهات است. امام علی علیه السلام فرمودند:

هر کسی که آرای مختلف را بررسی کند، جاهای خطا را بشناسد.^{۴۷}

۳/۷. اعضای جامعه‌ای که در موضوعات مختلف با یکدیگر مشورت کنند، ارتباط تنگاتنگی با هم برقرار می‌سازند. خداوند متعال به پیامبرش دستور می‌دهد تا پیش از تصمیم‌گیری از اطرافیان مشورت بگیرد؛ اگرچه تصمیم نهایی با اوست:

فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ
فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ.^{۴۸}

آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب و در کارها، با آنان مشورت کن
اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند
متوکلان را دوست دارد.

۴/۷. اصل مشاوره در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی کارآمدی دارد. دهه‌های اخیر با توسعه علوم، متخصصان متعددی در حوزه‌های مختلف به فعالیت‌های مشاوره‌ای مبادرت ورزیده‌اند. در خصوص موضوعات رفتاری نیز شاخه‌هایی از علوم تربیتی، اخلاق و روان‌شناسی، این کار را بر عهده دارند. مشورت در جوامع سنتی از چارچوب علوم فراتر بوده و تجارب را نیز در بر می‌گیرد. در جامعه ایرانی از دیرباز، مشورت به‌عنوان راهکاری اثربخش در زندگی فردی و اجتماعی مطرح بوده است.

۸. نقدپذیری

انتقاد، پدیده‌ای اجتماعی است که در همه جوامع وجود دارد. نقّادی و نقدپذیری دو اصل مطرح در اسلام است. انتقاد صحیح موجب شناخت نقاط قوت و ضعف می‌شود و از این طریق به پیشرفت و اصلاح امور می‌انجامد. برای اینکه هدف اصلی نقد که تکامل و اصلاح فرد و جامعه است محقق شود، لازم است مبتنی بر اصول و روش‌های صحیح باشد.

۱/۸. انسان همیشه در معرض خطا و اشتباه قرار دارد. گاهی لغزش‌ها به گونه‌ای است که دیگران بیش از خود انسان متوجه آن می‌شوند. چنانچه انسان در صحنه زندگی، خود را از زاویه نگاه دیگران

۴۷. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳.

۴۸. آل عمران، ۱۵۹.

ملاحظه نماید، بهتر به لغزش‌های احتمالی خود پی می‌برد. استاد شهید مرتضی مطهری در تعریف و تفسیر نقد می‌نویسد:

قوة نقّادی و انتقاد کردن به معنای عیب‌گرفتن نیست. معنای انتقاد، یک شیء را در محک قراردادن و به وسیله محک‌زدن به آن، سالم و ناسالم را تشخیص دادن است.^{۴۹}

بنابراین با نقد کردن و نقدپذیری، زمینه رفع ایرادها و ارتقای توانایی‌ها فراهم می‌شود.

۲/۸. نقد منصفانه و نقّادی اندیشمندانه، سه ویژگی دارد. نخست اینکه انعکاس توانمندی‌هاست؛ دوم اینکه تبیین ضعف‌هاست و سوم اینکه همراه با راه حل است. با این سه خصوصیت، نقد مؤثر می‌شود. با وجود روحیه نقدپذیری، آستانه تحمل افراد نسبت به یکدیگر بالا می‌رود و اعضای جامعه به سرعت از یکدیگر احساس نگرانی و ناراحتی نمی‌کنند؛ چراکه انتقاد را برای رشد خود ضروری می‌دانند. امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند:

از واجب‌ترین حقوق برادرت این است که او را به خیر متوجه کنی و هیچ چیزی را که برای دنیا و آخرت او مفید است، از او پنهان نداری.^{۵۰}

۳/۸. نقد و نقّادی در بهبود روابط دوستانه مؤثر است. امام صادق علیه السلام در مقام معرفی بهترین دوستان چنین فرموده‌اند:

بهترین دوستان در نزد من کسانی هستند که عیوب و نواقص من را به من هدیه دهند.^{۵۱}

رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:

مؤمن آینه برادر خویش است و بدی‌ها را از او دور می‌سازد.^{۵۲}

۴۹. استاد مطهری و روشنفکران، ج ۱، ص ۲۸۵.

۵۰. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۳۲.

۵۱. بحار الانوار، ج ۸، ص ۴۱۳.

۵۲. بحار الانوار، ج ۱۲، ص ۲۱۰.

امام سجّاد علیه السلام زیان بی توخه‌ی به انتقاد سازنده را اینگونه گوشزد می‌فرمایند:

چه بسا اشخاصی که از بس خوبی‌شان را گفتند و مدح ایشان نمودند، فریب خوردند [و فاسد شدند] و چه بسا افرادی که چون از عیب ایشان چشم‌پوشی شد، مغرور شدند.^{۵۳}

آنچه از این روایات استنباط می‌شود، این است که نقدکردن دیگران، نوعی تعهد به اصلاح و رشد دادن آنهاست و یک ارزش محسوب می‌شود. در برابر، نقدپذیری نیز راهی برای ارتقای خود و جامعه است. امر به معروف و نهی از منکر، همان نقد است که در چارچوبی دینی انجام می‌شود.

۴/۸. نقد باید با رعایت حریم شخصی افراد و حفظ هنجارهای اجتماعی همراه باشد. خودنمایی و برتری‌جویی در قالب نقد، امری ناپسند است. کینه‌توزی و ابراز بغض شخصی در ظاهر نقد، از نظر دین، ممنوع است. برخی از افراد به‌جهت بی‌اطلاعی یا کمی دانش به کارهای دیگران نقد می‌کنند. همه این موارد، موجب افزایش تنش‌های اجتماعی می‌شود. رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر در نقد ضروری است. این شرایط، کمک می‌کند که نقدها روشمند و هدفمند بوده و از بروز پرخاشگری، کینه‌توزی، تهمت، افترا و خشونت جلوگیری شود. قرآن کریم به پیروان خود دستور داده است که در انعکاس مطلوب‌ها، جوانب احترام افراد رعایت شود تا نتیجه مطلوب حاصل گردد.^{۵۴}

۹. اعتدال و میانه‌روی

ریشه بسیاری از ناملایمات از افراط و تفریط ناشی می‌شود. برخی اعضای جامعه با تندروی و زیاده‌خواهی به حریم دیگران تجاوز نموده و منازعات اجتماعی را ایجاد می‌کنند. گاهی نیز با کُندروی و کاستی، شرایطی فراهم می‌شود که برخی از اعضای جامعه فرصت می‌یابند تا هنجارها را نادیده گرفته و حقوق اجتماعی دیگران را پایمال کنند.

۱/۹. «اعتدال» مصدر باب افتعال از ریشه «ع. د. ل» و در لغت به‌معنای حدّ متوسط بین دو وضعیت دیگر است.^{۵۵} اعتدال، هرگونه تناسبی است که لازمه آن برقراری مساوات بین جهات مختلف باشد.^{۵۶} از این رو نقطه مقابل اعتدال، افراط و تفریط نامیده می‌شود که مفهوم جامع هر دو، «فساد» به‌معنای

۵۳. بحار الانوار، ص ۷۹، ص ۱۳۹.

۵۴. برای بررسی بیشتر ن. ک: المؤمنون، ۳. طه، ۴۴. الفرقان، ۶۳. الانبیاء، ۵۱ - ۵۴. از این آیات، روش نقد قابل برداشت است.

۵۵. لسان العرب، ج ۹، ص ۸۵.

۵۶. مفردات راغب، ص ۵۵۳، ذیل واژه «عدل».

خروج از حالت اعتدال است. همچنین با توجه به اینکه اعتدال به معنای میانه‌روی است، «اسراف» نقطه مقابل آن به‌شمار می‌رود. واژه اعتدال در قرآن کریم نیامده است؛ اما این مفهوم را می‌توان از واژگان «قوم»، «وسط»، «قصد»،^{۵۷} «سواء» و «حنیف» استفاده کرد. همه این واژگان با اندکی اختلاف به وضعیت میانه و حدّ وسط اشاره دارند. از سوی دیگر، واژگان «اسراف»، «اتراف»، «تبذیر»، «غلو»، «اعتداء»، «فراط»، «تفریط» و «قتر» که در دو سوی وضعیت میانه قرار دارند، در ارتباط با موضوع اعتدال است.

۲/۹. امام علی علیه السلام، تندروی و کندروی را نشانه نادانی شمرده‌اند:

لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُقَرَّبًا.^{۵۸}

نادان را یا تندرو و یا کندرو می‌بینی.

انسان نادان غالباً گرفتار خطوط انحرافی است؛ یا در جانب زیاده‌روی می‌گردد و یا در سوی کوتاهی و کندروی حرکت می‌کند. به طور مثال صیانت از حریم خانواده و پاسداری از هرگونه انحراف، یک فضیلت است؛ اما افراد جاهل، گاهی به طرف افراط کشیده می‌شوند و با وسواس، هر حرکتی از همسر و فرزندان خود را زیر نظر می‌گیرند. چنین افرادی با نگاه اتهام و گمان بد به خانواده خود نگاه می‌کنند، به طوری که آرامش و آسایش زندگی آنان از بین می‌رود. برخی دیگر هیچ‌گونه نظارت و مدیریتی بر خانواده خود ندارند تا جایی که دچار حوادث ناگوار می‌شوند. واضح است که هر دو گروه، دچار نادانی شده و ناخواسته روابط اجتماعی خانواده را دچار آسیب‌های جدی کرده‌اند.

۳/۹. قرآن کریم اسلام را دین میانه‌روی خوانده و مسلمانان را با همین ویژگی توصیف کرده است:

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ.^{۵۹}

همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز امت میانه‌ای قرار دادیم (در حدّ اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه است.

برابر متن قرآن کریم، این آیه در پی معرفی امت اسلامی با وصف امتی معتدل و میانه است. اعتدال امت اسلامی در مقایسه با سایر امت‌ها از جمله یهودیان و مسیحیان، می‌تواند از جهت اعتقاد، جهان‌بینی، اخلاق، احکام، آداب و همه امور زندگی باشد. پس مسلمانان از جهت اخلاق، عبادت، اعتقاد و همه امور زندگی، معتدل هستند و چون مسلمانان در مسیر میانه قرار دارند، می‌توانند همه خطوط انحرافی چپ و راست را ببینند و شاهد سایر امت‌ها باشند.^{۶۰}

۵۷. لقمان، ۱۹: وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ.

۵۸. نهج البلاغة، حکمت ۷۰.

۵۹. البقرة، ۱۴۳.

۶۰. ن. کت تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۱۵.

۴/۹. میانه‌روی به حفظ ارزش‌های انسانی و دینی در جامعه منجر می‌شود. عدالت‌ورزی و انصاف میان اعضای جامعه، نخستین ره‌آورد میانه‌روی است. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

بر تو باد به میانه‌روی در کارها؛ هر کسی از میانه‌روی، روی گرداند
ستم می‌کند و هر کسی به آن چنگ زند، عدالت می‌ورزد.^{۶۱}

با وجود عدالت و میانه‌روی در جامعه، انواع هنجارگریزی‌ها از میان برداشته می‌شود. یکی از مهارت‌های میانه‌روی استفاده از بایسته‌های تخصصی در حوزه‌های گوناگون است.

۵/۹. برخی از معضلات در روابط زناشویی و خانوادگی مربوط به رعایت نکردن همین اصل مهم است؛ به طور نمونه می‌توان به مشاغل اجتماعی اعضای خانواده اشاره کرد. مطالعات میدانی نشان می‌دهد که بخشی از سردی روابط همسران به دلیل ساعت‌های زیاد شغلی همسر است. اگرچه نمی‌توان مشکلات اقتصادی خانواده را نادیده گرفت، اما رعایت حقوق همسر و فرزندان را نیز نمی‌توان مورد بی‌توجهی قرار داد.^{۶۲} ناگفته پیداست که کم‌محبتی و بی‌توجهی به همسر و فرزندان چه عواقب ناگوار عاطفی را در بر دارد.

۱۰. قانون مداری، نظارت همگانی

بشر برای تنظیم روابط و تحقق منافع خود به مقررات نیازمند است. «قانون»^{۶۳} مجموعه بایدها و نبایدهای اجتماعی است که شیوه رفتار انسان‌ها در زندگی روزمره را تعیین می‌کند. ضعف قوانین در هر جامعه‌ای، زمینه‌ساز بروز انحرافات اجتماعی، کج‌روی‌ها و هنجارگریزی است. قرآن کریم برای بهبود و سلامت روابط اجتماعی به برخی از قوانین تجاری اشاره نموده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَ
لِيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ.^{۶۴}

ای اهل ایمان، چون به قرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین، سند و نوشته در میان باشد، و بایست نویسنده درست‌کاری معامله میان شما را بنویسد.

۶۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۴.

۶۲. ن. ک: تربیت اجتماعی، ص ۲۲۰.

۶۳. قانون، مجموعه‌ای از دستورالعمل‌هاست که توسط قانون‌گذار تدوین شده و برای اجرا به جامعه تکلیف می‌شود. قانون، معرب کلمه فارسی کانون است که به انگلیسی state ترجمه می‌شود. قانون به عنوان میانجی در پیوندهای اجتماعی بین مردم عمل می‌کند. قانون را به شکل دیگری نیز می‌توان تعریف نمود: هر چیزی که تنظیم‌کننده رفتار انسان باشد، قانون نام دارد. این قانون می‌تواند قوانین اخلاقی یا قانونی باشد که دولت یا قدرت فراتر یک کشور آن را به شیوه خاص و در جایگاه خاصی وضع نموده‌است. (ن. ک: جامعه‌شناسی، ص ۱۳۸)

۶۴. البقرة، ۲۸۲.

۱/۱۰. وجود قوانین در همه جوامع بشری ضروری است و همه افراد بشر در هر شرایط زمانی و مکانی به مجموعه‌ای از قوانین نیازمندند. اعضای جامعه با یکدیگر همکاری و همیاری دارند و دستاوردهای این همکاری را میان خود تقسیم می‌کنند. طبیعی است که در موقعیت‌های متفاوت بین منافع و خواسته‌های آنها برخوردهایی به وجود می‌آید. کسانی می‌خواهند سهم بیشتری ببرند یا شیوه برخورد با انسان‌های دیگر را مطابق میلشان تعیین کنند و این، مطلوب دیگران نیست و به‌ناچار کشمکش‌هایی در صحنه اجتماع رخ می‌دهد.^{۶۵} اهمیت قانون‌گرایی در حفظ سلامت رفتار اجتماعی را می‌توان در نامه امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر مشاهده کرد. ایشان در این نامه از مالک می‌خواهند که به مفاد این دستور، پایبند باشند و سپس بهره‌های این پایبندی را بیان می‌کنند.^{۶۶}

۲/۱۰. ضعف قوانین ناشی از دو امر است. یکی افراط و تفریط در قانون‌گذاری که خود، بسترساز افزایش جرایم است. دوم، اجرای ضعیف قوانین به دلیل کم‌اطلاعی یا ناتوانی مجریان.^{۶۷} سهل‌انگاری، برخوردهای احساسی، ضعف حاکمیت و مدیریت، عدم انضباط اجرایی و دیوان‌سالاری از دیگر دلایل اجرای ضعیف قوانین است.

۳/۱۰. سلامت رفتار اجتماعی به نظارت حرفه‌ای نیازمند است. شهروندان در ادارات، محل کسب و کار، اماکن آموزشی و عمومی در تعامل با یکدیگرند. حفظ سلامت روابط بین افراد با نظارت سازماندهی شده و متناسب با حرفه‌های اجتماعی امکان دارد. در هر یک از جوامع بشری برخی از افراد با عبور از هنجارهای پذیرفته‌شده، تلاش می‌کنند تا به اهداف خود دست یابند. این افراد به‌راحتی، مقررات را زیر پا نهاده و حقوق دیگران را نادیده می‌انگارند. امیر مؤمنان علیه السلام به مالک اشتر دستور می‌دهد که بر عملکرد کارگزاران خود نظارت نماید:

در کار کارگزارانت بنگر و پس از آزمایش به کارشان برگمار، نه به سبب دوستی با آنها.^{۶۸}

نظارت بر رفتار اجتماعی کارکنان حکومت، یکی از نخستین گام‌ها برای تنظیم روابط درست اجتماعی است.

۶۵. ن. کة تربیت اجتماعی، ص ۱۰۷.

۶۶. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۶۷. ن. کة درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی، ص ۷۴.

۶۸. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴/۱۰. یکی از مهم‌ترین قوانین تربیتی دین، امر به معروف و نهی از منکر است.^{۶۹} در این روش، اگر مردم با عملکرد بدی مواجه شدند و یا ترک عملکرد خوب و لازمی را مشاهده کردند، تذکر می‌دهند تا رفتار طرف مقابل، اصلاح شود.

نتیجه

۱. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از نگاه تربیت دینی اولین و مهم‌ترین راهکار برای بهبود روابط اجتماعی، تحکیم بنیان خانواده است. خانواده با انتخابی موفق، آغاز می‌شود و با آگاهی از کارکردهای آرامش‌بخش و قوام‌دهنده، ادامه می‌یابد. سلامت رفتاری خانواده، ضامن بهبود روابط اجتماعی است. هرگونه تزلزل یا نقص در نظام تربیتی خانواده، در رفتار اجتماعی افراد منعکس می‌شود.
۲. اندیشه تربیتی اسلام بر کرامت انسان بنا شده است. حفظ حریم شخصی و همچنین رعایت منزلت اجتماعی افراد به معنای امنیت روانی و آسایش اجتماعی اعضای جامعه است. روابط اجتماعی با تکریم شخصیت انسان‌ها قوام می‌یابد.
۳. روح کلی حاکم بر سلامت رفتاری جامعه در محبت و مهرورزی خلاصه می‌شود. این مهم در آیات قرآن تبیین شده و در سیره پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام قابل مشاهده است. محبت به تنظیم روابط عاطفی جامعه کمک نموده، از بروز آسیب‌های اخلاقی و رفتاری پیشگیری می‌کند.
۴. میان مهرورزی، تکریم انسانی و تحکیم خانواده، رابطه معناداری برقرار است؛ چنان‌که هر یک متضمن دیگری است. در نتیجه کانون خانواده بدون مهرورزی استحکامی ندارد؛ کرامت انسانی بدون وابستگی به خانواده معنا نمی‌یابد؛ مهرورزی بدون کرامت و شرافت انسانی، بی‌اثر است و کاکردی ندارد. از این رو اسلام راهکارهای تربیتی را در هم تنیده و پیوسته می‌داند.

۶۹. در قرآن کریم، آیات بسیاری، جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را یادآوری می‌کند که به دو آیه اشاره می‌شود:

- وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران، ۱۰۴)
- كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ. (آل عمران، ۱۱۰)

۵. سه مقوله بردباری، تعاون و تعامل اجتماعی در ارتقای اخلاقی جامعه نقش اساسی دارد. به‌علاوه، راهکاری مؤثر در برون‌رفت از تنگنای احتمالی است. به‌پشتوانه این سه اصل اجتماعی، روابط اعضای جامعه در بالاترین سطح قرار گرفته، همگان در برابر یکدیگر احساس مسؤلیت می‌کنند. همین امر، بهبود روابط اجتماعی را به‌دنبال دارد.
۶. دو اصل مشورت‌پذیری و نقدپذیری از جامع‌ترین راهکارهای دین در تضمین تعاملات اجتماعی است. اسلام، مشورت را به‌عنوان راهکاری برای تصمیم‌سازی و نقد را مسیری برای تقویت اندیشه قرار داده است. پذیرش این دو اصل مهم، آستانه تحمل جامعه را ارتقا می‌دهد و از بروز تنش‌ها پیشگیری می‌کند. به‌علاوه، با این دو راهکار، آستانه تحمل اجتماعی افزایش یافته، افراد قادرند سازگاران در کنار دیگران زندگی کنند و ضعف و قوت‌ها را نیز به یکدیگر منعکس نمایند.
۷. نظام تربیتی دین، میانه‌روی را به‌عنوان ارزشی اخلاقی معرفی نموده است. این اصل مهم به تنظیم روابط افراد و پیشگیری از بروز افراط و تفریط کمک می‌کند. بسیاری از تنش‌های اجتماعی با اقتصاد، اعتدال و میانه‌روی کاهش یافته یا از بین می‌رود.
۸. بهبود روابط اجتماعی بر پایه هنجارها شکل می‌گیرد. در این میان قوانین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که به‌عنوان ضوابط جمعی، از هرج و مرج جلوگیری می‌کنند.
۹. یکی از مهم‌ترین قوانین تربیتی دین که مورد تأکید قرآن کریم قرار گرفته است، نظارت همگانی بر رفتار یکدیگر است. نتیجه این نظارت، مسؤلیت‌پذیری افراد نسبت به یکدیگر و تذکر برای رفع اشکال است.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. استاد مطهری و روشنفکران، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۲ ش.
۳. اسد الغابة فی معرفة الصحابة، علی بن محمد ابن اثیر، تحقیق محمد احمد عاشور، دار احیاء التراث العربی.
۴. بحار الانوار الجامعه لدر اخبار الائمة الاطهار علیهم‌السلام، محمد باقر مجلسی، بیروت، دار الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۵. تاج العروس من جواهر القاموس، محمد مرتضی زبیدی، بیروت، دار مکتبة الحیاء.
۶. تربیت اجتماعی، رضا نجفی، قم، انتشارات ملینا، ۱۳۹۸ ش.

۷. تربیت و جامعه شناسی، امیل دورکیم، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶ش.
۸. جامعه‌شناسی، ساموئل کینگ، ترجمه همدانی، تهران، انتشارات سیمرغ، ۱۳۵۵ش.
۹. خانواده در قرآن، احمد بهشتی، قم، انتشارات طریق القدس، ۱۳۶۱ش.
۱۰. درآمدی به جامعه‌شناسی اسلامی، گروه نویسندگان، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۳ش.
۱۱. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، دار الکتب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.
۱۲. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۵ش.
۱۳. لسان العرب، محمد بن مکرم ابن منظور، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۳۷۶ش.
۱۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۳۶۰ش.
۱۵. مفردات الفاظ القرآن، راغب اصفهانی، بیروت، دار القلم.
۱۶. مقدمه‌های بر مشاوره و روانشناسی، سید احمد احمدی، اصفهان، دانشگاه اصفهان، اول، ۱۳۸۴ش.
۱۷. میزان الحکمة، محمد محمدی ری‌شهری، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۹ش.
۱۸. المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۹۳ش.
۱۹. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، خسرو باقری، تهران، انتشارات مدرسه، سیزدهم، ۱۳۸۵ش.
۲۰. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
۲۱. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، محمد بن حسن حرّ عاملی، قم، انتشارات آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۲۲. مقاله اصول و روش‌های نقد از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه، محمد شعبان‌پور، مجله سراج منیر، ش ۱۵، تابستان ۱۳۹۳ش.
۲۳. مقاله عوامل تحکیم خانواده در فرهنگ اسلامی، صالح حسن‌زاده، مجله پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ش ۱۵، ۱۳۹۲ش.